

عدالت برای رحمت دین - پریش کوششی:

مساوات و برابری یکی از مهمترین آموزه‌های دین مبین اسلام است و آیات و روایات بسیاری وجود دارند که قرآن کریم و ائمه اطهار (ع) در آنها بر حفظ حقوق و تساوی تمام مردم در برابر قانون و نفي تبعیض و ظلم تاکید بسیار دارند.

عدالت در اسلام بر ارکان عمیقی استوار است، زیرا عالم هستی و کائنات به کلی تحت نظر خداوند حکیم هستند که تمام کردار و رفتار ما در دادگاه عدل او مورد قضاوت قرار می‌گیرد.

همه ما از خاک هستیم و همه به سوی خاک باز می‌گردیم و تمام افراد بندگان خدا هستند.

این تلقی از جهان و انسان مساعدترین زمینه برای پذیرش عدالت است که از نظر قرآن فطری است.

قرآن می‌فرماید که ما آشنایی با خوبی‌ها و بدی‌ها را به طور فطری در انسان قرار داده‌ایم: «فألهمها فجورها و تقویها» (شمس/ ۸)

در فطری بودن عدالت همین بس که حتی ظالمان نیز می‌کوشند تا ظلم خود را توجیه کرده و عادلانه جلوه دهند.

مسأله عدالت از نظر پیامبر (ص) نیز از اهمیت فراوانی برخوردار است، چنانکه ایشان فرموده‌اند: «عدل ساعه خیر من عبادة سبعین سنة قیام لیلها و صیام نهارها» (جامع السادات، ج ۲، ص ۲۲۳) یعنی: یک ساعت عدالت از هفتاد سال عبادتی که روزهای آن روزه و شب‌های آن احیا داشته باشید، بهتر است.

حضرت علی (ع) نیز درباره اهمیت عدالت فرموده‌اند: «العدل حیات و الجور ممات» یعنی: عدالت، زندگی و ظلم، مرگ است. از نظر امام علی (ع) مردمی که تسلیم ظلم و ستم شده‌اند در واقع مرده هستند. اصلاً یکی از مهمترین دلایل بعثت پیامبران و یکی از مهمترین وظایف و مسئولیت‌های آنان همانا استقرار عدالت در اجتماع است. قرآن درباره دعوت امت به بندگی خداوند و مخالفت با ظلم و طاغوت می‌فرماید: «ان اعبدوا الله واجتنبوا الطاغوت» (نحل/ ۳۲)

یعنی: بندگی خدا کنید و از طاغوت دوری نمایید.

همچنین قرآن در مبارزه با انواع اسارت‌ها و زودن موهومات و خرافات که از مهمترین وظایف پیامبر (ص) است، می‌فرماید: «و یضع عنهم اصرهم و الاغلال التي كانت علیهم» (جمعه/ ۳) یعنی: پیامبر (ص) سنگینی و زنجیرهایی را که بر مردم نهاده شده برمی‌دارد و آنان را آزاد می‌کند.

هدف نهایی و عالی انبیا این است که آن چنان ایمان به خدا و معاد را در مردم احیا کنند و چنان اخلاق و طرز تفکر الهی را در تاروپود فرد و جامعه به وجود آورند که مردم خودشان به عدل و قسط قیام کنند.

قرآن در این باره می‌فرماید: «لقد أرسلنا رسلنا بالبینات و أنزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط» (حدید/ ۲۵) یعنی: ما پیامبران خود را با در دست داشتن دلایل روشن و کتاب آسمانی و معیار سنجش حق و باطل برای مردم فرستادیم تا مردم در پرتو این رهبران و قوانین آسمانی با آگاهی و انتخاب به عدل قیام کنند.

در این آیه شریفه به هر دو قدرت مادی و معنوی یعنی «کتاب و بینات و میزان» اشاره شده، زیرا هر یک از آنها قدرت و پشتوانه‌ای معنوی برای استقرار عدل است و عبارت «و أنزلنا الحدید» که در ادامه این آیه اشاره به قدرت مادی دارد تا عاصیان بدانند که اگر با عدالت الهی مخالفت کنند با قدرت تمام سرکوب می‌شوند.

در زمان خلافت امیرمومنان حضرت علی (ع)، گروهی بر ایشان ایراد می‌گرفتند که شما چرا اموال بیت‌المال را به طور یکسان تقسیم می‌کنید؟

مولاي متقيان (ع) پاسخ فرمود: «لو كان المال لي لسويت بينهم فكيف و انما المال مال الله» خطبه ۱۲۶ نهج البلاغه.

يعني: اگر اين اموال، ملك شخصي خودم بود به طور يكسان تقسيم مي‌کردم تا چه رسد كه اينها مال خدا و مربوط به همه مردم است.

يكي از امتيازات عالي مکتب اسلام اين بود كه در دوره جاهليت، تمام اختلافات و تبعيض‌ها را ميان افراد و نژادها و قبایل از بين برد و با تمام قوا امتيازات ستمگران را نابود ساخت.

قرآن كريم در اين باره مي‌فرمايد: «ان اكرمكم عندالله اتقيكم» (حجرات/۱۳) يعني: همانا گرامي‌ترين افراد نزد خداوند با تقوي‌ترين آنهاست. همچنين در سوره روم مي‌فرمايد: «و من آياته اختلاف السنتم و ألوانكم» (روم/۲۲) يعني: اين تفاوت شكل‌ها و رنگ‌ها و زبان‌هاي شما همه از نشانه‌هاي قدرت خداست. پيامبر گرامي اسلام در حجه‌الوداع مردم را جمع كرد و فرمود: «تمام مسلمانان از هر قبيله و نژاد و زباني كه هستند با هم برابرند». (سفينه البحار، ج ۲، ص ۳۴۸)

قبيله قريش به اين دليل كه سرپرست خانه كعبه بودند دچار خودبرتربيني و غرور شده بودند، از اين رو در مراسم حج، يكي از اعمال را - رفتن به صحراي عرفات - ترك مي‌كردند و به جاي آن به «مزدلفه» مي‌رفتند و مي‌گفتند ما اهل حرم خدا هستيم و از حرم جدا نمي‌شويم.

قرآن در سوره بقره در اين باره فرمود: «ثم أفيضوا من حيث أفاض الناس» (بقره/۱۹۸) يعني: شما از همان جايي كه مردم ديگر مي‌روند، برويد.

خود شخص پيامبر اسلام (ص) آنچنان ساده و بي‌آلايش مي‌زيست كه گاهي يك فرد ناشناس كه وارد مسجد مي‌شد، ايشان را نمي‌شناخت و پس از مدتي كه در چهره‌ها مي‌نگريست، مي‌پرسيد: کدام يك از شما پيامبر هستيد؟

پيامبر (ص) به هنگام نشستن با اصحاب همواره دايروار مي‌نشست و به بالا و پايين جلسه بي‌تفاوت بود.

عدالت در اسلام و اجراي آن به حدي حائز اهميت است كه نه تنها دربارۀ دوستان، بلكه با دشمنان - و حتي در ميدان جنگ - نيز مورد سفارش و تاكيد واقع شده است.

قرآن مي‌فرمايد: «فان قاتلوكم فاقتلوهم كذلك جزاء الكافرين» (بقره/ آيه ۱۹۱) يعني: اگر دشمن شما را مي‌كشد، آنگاه شما هم آنها را بکشيد.

همچنين در زمان جاهليت، رسمي احمقانه وجود داشت، يعني اگر شخصي از يكي از قبایل كشته مي‌شد، تمام آن قبيله به پا مي‌خواستند و تا چند نفر را به انتقام همان يك نفر نمي‌كشتند، آرام نمي‌گرفتند. قرآن دربارۀ اين تعصب كور مي‌فرمايد: «و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لوليه سلطاناً فلا يسرف في القتل» (اسراء/ ۳۳)

يعني: هر كس مظلومانه كشته شود، براي او سرپرستي قرار داديم كه داراي اختيار است) كه اگر خواست قصاص كند و اگر خواست ديه بگيرد) ولي حتي سرپرستان مقتول نيز حق ندارند در انتقام و كشتن اسراف و زياده‌روي كنند و عبارت: «فلا يسرف في القتل» در اين آيه ناظر به همين معنا است.

حضرت امير - علي (ع) - پس از ضربت خوردن به فرزندانش مي‌فرمايد: «لا تقتلن بي الا قاتلي، فاضربوه ضربه بضربه» (نهج البلاغه صبحي صالح/ ص ۴۲۲) يعني: هرگز به خاطر شهادت من دست به قتل عام نزنيد و تنها قاتل را بکشيد. او يك ضربه به من زد، شما هم فقط يك ضربه به او بزنيد.

علي (ع) - شهسوار اسلام - و خليفه مقتدر وقت در خون خود مي‌غلطد، ولي از مدار عدالت بيرون نمي‌رود.

قرآن مجید نیز درباره رعایت عدالت با دشمنان می‌فرماید: «فمن أعتدي عليكم فاعتدوا عليه بمثل ما اعتدي عليكم و اتقوا الله» (سوره بقره/ آیه ۱۹۳) یعنی: اگر بر شما تعدی و ظلم کردند، شما نیز به همان مقدار حق تعدی به آنها را دارید.

به راستی، دین اسلام، دین عفو و اعتدال است. دین اسلام حتی مومنان را به صبرکردن و عدم انتقام از دشمنان دعوت می‌کند.

قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «و ان عاقبتهم فعاقبوا بمثل ما عاقبتهم» (نحل/ آیه ۱۲۶) یعنی: اگر اهل عفو و صبر نیستید و می‌خواهید حتماً عقوبت و مجازات نمایید، پس عقوبت کنید همانند آنچه خودتان مورد عقوبت قرار گرفته‌اید نه سخت‌تر.

و در این مورد ادامه می‌دهد: «و لئن صبرتم لهو خیر للصابرین» یعنی: اگر صبر کنید بهتر است.

ماجرای زیر موضع اسلام را در مورد رعایت انصاف به خوبی نشان می‌دهد: پیامبر گروهي را براي روشن شدن تکلیف یهودیان خیبر فرستاد.

یکی از آنها اموال خود را در پناه کوهی قرار داد و به استقبال مسلمانان آمد و اظهار اسلام کرد.

بعضی از مسلمانان عجله کردند و گفتند اسلام او تزویر و حیله است، او به خاطر ترس از جان و حفظ اموال خود چنین اظهار می‌کند و بالاخره او را کشتند، این آیه نازل شد:
«لا تقولوا لمن الیکم السلام لست مؤمنا تبغون عرض الحیوه الدنیا» (نساء/ ۹۴)

قرآن در این آیه توصیه می‌کند به شخصی که اظهار اسلام می‌کند نگویید تو مسلمان نیستی تا بدین وسیله راه کشتن او را نزد خود هموار و او را به ناحق بکشید و اموال او را به غنیمت بردارید، از این قضاوت‌های عجولانه دوری کنید.

البته معنای این حرف زودباوری و تسلیم در برابر هر نوع حیله دشمن هم نیست، زیرا در پایان همین آیه سفارش شده در این قبیل موارد لازم است تحقیق کنید نه در کشتن عجله کنید و نه سادطوحانه به هر اظهاری دل ببندید، بلکه راه میانه که همان حفظ عدالت اجتماعی است تحقیق و بررسی است و این است مکتب ما و عدالت اجتماعی ما درباره جنگ‌ها و برخورد با مخالفان که نسبت به افراد بی‌آزار عدالت و محبت و نسبت به افراد مؤذی عقوبت و جزای به مثل شود.

دین اسلام حتی در مورد عبادت کردن نیز دستور به عدالت می‌دهد.
اما صادق (ع) می‌فرماید: «لا تکرهوا الی انفسکم العباده» (اصول کافی، ج ۲، ص ۸۶)
یعنی: عبادت را بر خود تحمیل نکنید.

در اسلام و قرآن، رعایت اعتدال و انصاف در تمام شئون حیات فردی و اجتماعی، در قصاص، در مدح و انتقاد، در انفاق، در مخارج، در محیط خانه، در اقتصاد، در کار، در توزیع و مصرف، به شدت مورد تأکید و سفارش واقع شده است.

قرآن برای برپایی و استقرار عدالت در جامعه، مردم را به پیامبران ارجاع داده و فرموده است: «فأن تنازعتم فی شئینی فردوه الی الله و الرسول ان کنتم تومنون بالله و الیوم الآخر» (نسا/ ۵۹) یعنی: اگر در امری با هم نزاع داشتید به خدا و پیامبر رجوع کنید، اگر به خدا و روز آخرت ایمان دارید، قابل ذکر است که در موارد دیگری که خطر انحراف از مرز عدالت و تجاوز به حقوق یکدیگر پیش می‌آید، باید به علمای عادل مراجعه کرد تا طبق حکم خدا فرمان دهند.

معمولاً دو عامل مهم برای انحراف از مرز عدالت وجود دارد که قرآن به هر دو عامل توجه فرموده است: اولین عامل انحراف، حب ذات و علاقه‌ها و روابط است.

قرآن در این باره می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین بالقسط شهداء لله ولو علی انفسکم او الوالدین و الاقربین ان یکن غنیاً او فقیراً فان الله اولی بهما» (نسا/ ۱۳۵) یعنی: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، کاملاً به عدالت قیام کنید و گواهی‌های شما فقط برای خدا باشد، گرچه به زیان خود شما یا والدین و بستگان تمام شود و مسأله فقیر بودن یا غنی بودن در گواهی دادن شما اثر نکند، زیرا خدا سزاوارتر است به اینکه از آنها حمایت کند.

یعنی مسئولیت شما فقط دفاع از حق است بدون هیچ‌گونه ملاحظه فامیلی یا اقتصادی. این آیه به علاقه‌های خطرناک اشاره می‌کند که مبدا آن دوستی‌ها و مسائل عاطفی و فامیلی شما را از مرز عدالت دور کند.

دومین عامل برای اینکه انسان در خط عدالت حرکت نکند، مسأله ناراحتی‌هایی است که انسان از فردی و یا گروهی می‌بیند و در این زمینه نیز قرآن می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین لله شهداء بالقسط ولا یجرمنکم شأن قوم علی الا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی» (مائد/ ۸) یعنی: ای کسانی که ایمان دارید، برنامه شما قیام خالصانه و شهادت عادلانه باشد، دشمنی قومی سبب انحراف شما از مرز عدالت نشود و خرده حساب‌های سابق را تسویه نکنید و مکرراً فرمان می‌دهد که به عدالت رفتار کنید که به تقوی نزدیکتر است.

در این آیه توجه خاصی به مسأله ناراحتی و گلابه‌ها و دشمنی‌هایی است که احیاناً در قضاوت و رفتار ما اثر می‌گذارد.

کوتاه سخن آنکه عمل کردن به عدالت و طبق معیارهای الهی حرکت کردن، کار سختی است که اولیا خدا در عمل به آن از خدا استمداد می‌کنند، و شاید مراد از صراطی که در قیامت از مو باریکتر و از شمشیر تیزتر است و باید همه ما از روی آن عبور کنیم، همین خط الهی در دنیا است که به راستی از مو باریکتر است.

قرآن مجید برای پرهیز از انحراف از مرز عدالت صریحاً دستور می‌دهد: «یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین بالقسط شهداء لله و لو علی انفسکم» (نسا/ ۱۳۵) یعنی: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، کاملاً به عدالت قیام کنید و گواهی‌های شما فقط برای خدا باشد، هر چند به زیان شما تمام شود.